

## ناصر دفتر بنیادگذار فرهنگ جدید خلخال

میرزا ابراهیم ناصر روائی ملقب به «ناصر دفتر» در سال ۱۲۵۳ هجری شمسی در مرکز شهرستان خلخال متولد شد. پدرش منحوم میرزا محمد حسن مشهور به وزیر و ملقب به «سرایج دفتر» در دوره صدارت امیر نظام<sup>\*</sup> ریاست دیوان استیفای خلخال را؛ رعیته داشته و شخصیتی فاضل بود و خط را نیکو می‌نوشت.

فرزندش ابراهیم با توجه پدر تربیت شد و از معلمین او یکی منحوم میدمحسن بشتی از سادات زاویه خلخال بود که از منشیان و خطاطان نستعلیق نویس بود. ناصر دفتر در سنین ۱۵-۱۶ سالگی دارای خلی زیبا و انشای منشیانه بود و در زبان عربی و علوم ادبی دستی یافته بود.

در سال ۱۲۷۳ که به بیست سالگی رسیده بود با پدرش به تبدیل رفت و چون در چند ملاقاتی که پدرش با امیر نظام داشت خط و ربط و درک و معلومات فرزند مورد توجه امیر نظام قرار گرفت امیر نظام از سراج دفتر خواست که ابراهیم را در تبریز بگذارد. موقعی که امیر نظام به تهران آمد ابراهیم را نیز به همراه خود به تهران آورد و قسمتی از امور منشیگری خود را به او سپرد. میرزا ابراهیم مدت هفت سال در تهران بود و با اصول مربوط اداره امور دیوانی و رجال مملکتی آشنا شد.

میرزا ابراهیم پیش از آغاز نهضت مشروطیت به خلخال بازگشت و در رفع مشکلات مختلفی که اغلب دامنگیر منطقه بود یا نظر و رأی خود، همیشه به مردم یاری می‌کرد و بهمین ملاحظات بود که چند نوبت نیابت حکومت خلخال از طرف دولت بر عهده او گذاشته شد.

در سال ۱۲۷۶ قمری (۱۲۸۷ شمسی) که هنوز در اغلب شهرهای کناره ایران نامی از مدرسه و معارف جدید نبود ناصر دفتر به تأسیس اولین مدرسه در خلخال همت گمارد و برای برپا داشتن و راه اندازی مدرسه یا نفوذی که در میان ملیقات مختلف داشت به تبلیغ پرداخت و اعانه فراهم کرد و مدرسه‌ای را که به «ناصری» شهرت گرفت به وجود آورد. اما چون نازاری و غارتی‌های عشایری هر چند یکبار در خلخال بروزی کرد مدرسه هرچند یک بار به تعطیلی و بی‌پولی و وقفه می‌کشید. در یادداشتی که راجع به تاریخچه مدرسه نوشته یادآور شده است که:

«در عین حال که من سرگرم ترتیبات کار مدرسه بودم مخالفین انواع اعتراضات و بدگوئیها داشتند و به تیر تهمت‌های گوناگون هدف ساختند و این رویه مدت‌ها ادامه داشت ولی من بدون اینکه انتنای بدان کنم بکار خود مشغول بودم..» پاز می‌نویسد:

«با اینکه در خلخال افکار عمومی از اینگونه تأسیسات بیگانه و اقدام بدان مستلزم انواع مخاطره و فداکاری‌ها بود، تکارنده از روی یک احساسات درونی خود را برای مقابله با هرگونه مراجعت و مخاطره حاضر و با استفاده از وجود حاج میرزا

\* مقصود محمد یاقوتخان شجاع‌السلطنه سردار کل است (۱۰۱).

محمد تقی خوجینی (که تعلیمات خود را در باکو انجام داده بود) پدین اراده افتادم که مدرسه‌ئی در قصمه ۱۴ خلخال افتتاح و خدمات وطنی خود را از این راه تعقیب نمایم و چون خود چنین قدرت مالی نداشت که همه مصارف مقدماتی و بودجه آتیه این مدرسه را از عهده برآیم، اراده خود را با بعضی از خواص خلخال که احساساتی در این کارها داشتند به میان گذاردم و استعداد کردم که از مساعدت مادی و معنوی درین نشایند ولی از هیچیک مساعدت مالی و مادی بعمل نیامد و بلکه بعضی‌ها نظر به عدم استعداد محلی و فقدان وسایل و دوری افکار عمومی از آن و بینتر از همه پیدبینی دولتیان مستبد نسبت پدینگونه تأسیسات که بویدیگران از آن پرمی‌آمد پدین اقدام ملامتم کردند، ولی نظر به عشق مفرطی که پدان داشتم خود را پدین کار مصمم و اقل فایده آنرا آشنا کردن افکار عمومی پدین تأسیسات و تخم‌پاشی می‌دانستم که لامحاله نمره‌اش وقتی به دست آید، این بود اراده خود را جداً تعقیب و اثایه مدرسه را پن حسب دستور حاج میرزا محمد تقی با خرج شخصی خودم فراهم و پیشترین عمارت قصبه را (منزل حاج سلیمان منحوم) با ماهی ده تومن وجه اجاری برای مدرسه تعیین و در اول میزان (مهر ماه) ۱۳۲۶ مدرسه را بنام ناصری پا مدیریت و معلمی منحوم حاج میرزا تقی و یک نفر معلم دیگر از کسان او (میرزا رفیع) و نظامت آقا مید کریم و یک تن مستخدم و با شصتنفس شاگرد در دو کلاس افتتاح و چشن افتتاحیه در عمارت مدرسه پرپا شد، ولی متأسفانه پس از پیست ماه در تیجه انقلاب مملکتی و افزایش اختلافات بین ملیون و ملوفداران دولت وقت و از دیگر زمینه تاخت و تاز و مخالفت اشاره در خلخال انتظامات پکلی از هم پگست و اعانه مختص مدرسه قطع گردید بطوری که مدیر و کارکنان مدرسه بیش از چهارده ماه با حداقل دستمزد با فداکاری ادائی وظیفه کردند و در یکی از یادداشت‌ها مذکور است که منحوم ناصر روائی پرای پسرداخت حقوق آموزگاران و کارمندان دپستان مجبور شد از درختهای باغ خود فروخته و حقوق آنها را پسدازد.

بالاخره رؤسای ایلات که داعیه ملوفداری و مأموریت از عرف دولت را داشتند و با اهالی قصبه و ملیون در کشمکش بودند بن خلخال مستولی و عمارت مدرسه را اشغال و منزلگاه سواران خود قرار داده و قسمتی از اثایه آن را پایمال کردند و ناچار مدرسه در ماه عقرب ۱۳۲۸ قمری مطابق با ۱۲۸۸ شمسی منحل و حاجی معلم منحوم دوباره به پادکوبه بازگشت و در آنجا مشغول تدریس شد.

مدرسه ناصری مدتها در حال تعطیل باقی بود ولی ناصر روائی پیوسته متصرف فرست بود تا دوباره آن را پرپا دارد تا اینکه در سال ۱۳۳۰ قمری مطابق ۱۲۹۰ شمسی امیر عشاير از طرف ایالت آذربایجان به حکومت خلخال منسوب شد. امیر

۱- منظور از قصبه مرکز شهرستان خلخال است که هم‌اکنون شهری شده و آنرا هروآباد نامند و در اسناد قدیم آنرا هرآباد مینوشتند و در گذشته دور معروف به هرآب بوده. هر بزرگان فارسی باستان بمعنی کنار و حاشیه و درست پسوند آباد - آب بوده چرا که شهر در کنار دودخانه بزرگی واقع شده که از کوههای ازبک خلخال جاری شده و از داخل این شهر می‌گذرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عشایر برخلاف آنسته که اهالی را آزار می‌داد با اهالی و ملیون از در مسالت درآمد و مرحوم ناصر دفتر موقع را منتقم شمرده و مبلغی از امین عشایر به‌رسم اعانه گرفت و به بادکوبه برای حاجی معلم فرموده که او نواقص و اثنایه و کتب مدرسه را خریداری کند و یک نفر معلم زبان روسی هم برای تعلیم شاگردان با خود بیاورد.

مدرسه دوباره در اوایل سال ۱۲۹۱ قمری مطابق ۱۳۳۱ مجدداً کشاش یافت اما باز مدتی نکشید که برادران امین عشایر بنای مخالفت را گذاشتند و نگداشتند که اعتبار دولتشی برای اداره امور مدرسه پادار شود. پس مدرسه بیش از هشت ماه دوام نیاوردو برای پار دوم تعطیل شد.

باز مدرسه چهار سال در حال تعطیل بود تا اینکه در محرم ۱۲۹۶ قمری مطابق با ۱۲۹۶ شمسی میرزا کوچک خان چنگلی به مناسبت هماییکی نواحی طالش گیلان با خلخال با امین عشایر و سایر خوانین متعدد شد و با عده‌ای مجاهد به خلخال آمد. مردم خلخال استقبال شایان توجیه از او کردند. چنگلیها در قصبه خلخال اداره عدلیه و امنیه و اجراتیه (حکومت) تشکیل دادند. درین وقت مرحوم ناصر دفتر موضوع مدرسه را با میرزا کوچک خان مطرح و مبلغی اعانه از اهالی و خوانین جمع‌آوری کرد و بر حسب تقاضای تلگرافی که مرحوم ناصر دفتر از اداره معارف ایالت آذربایجان کرده بود میرزا مهدی خان به سمت مدیر مدرسه به خلخال اعزام شد. هشت ماه که تشکیلات چنگلیها در خلخال بیقرار بود مدرسه هم دایر بود و مخارج آن محل ده درصد حقوقی که چنگلیها برای ادارات می‌پرداختند تأمین می‌شد.

در فروردین ۱۲۹۷ قمری مطابق با ۱۲۹۸ شمسی نظر به بروز اختلاف بین میرزا کوچک خان با خوانین و پیش‌آمد تعهد و غلام و انحلال تشکیلات چنگلیها در خلخال، مردم هراسان بودند و برای یافتن قوت لایحه به اطراف متواری و پراکنده‌سو تمام تشکیلات و سازمانها بهم خورد و اهالی مصیبیست‌زده خلخال علاوه بر فشار اشرار غارتگر در محیط قحطی قرار گرفتند. درین جریان کروهی به گیلان و مازندران پناهندگان شدند و عده بیشماری نیز در چنگلیها گیلان به خوردن بیک و ریشه درختان پرداختند و بالاخره جمع کثیری از ناتوانی و فقر و بیماری در خلخال درگذشتند. آنطور که گفته‌اند حدود نیمی از نفوس خلخال در این قحطی پایمال تلف شدند.

پس از گذشت هجده ماه در مهرماه ۱۲۹۸ مطابق با ۱۲۹۸ شمسی میرزا علی اصغرخان اعتضاد‌السلطان بیزی بعنوان نیابت حکومت به خلخال وارد شد و با مساعدت مرحوم ناصر روائی باز اعانه جمع‌آوری کرد و در نتیجه برای پار چهارم مدرسه ناصری در تاریخ ۱۲۹۸ شمسی دایر شد و چون حاجی معلم به بادکوبه رفت بود میر زین‌العابدین هاشمی خلخالی که مدتی در مدارس رشت تدریس کرده بود از طرف مرحوم ناصر روائی به مدیریت مدرسه تعیین و به اتفاق دو سه نفر معلم دیگر مشغول تدریس شد.

چون دولت در همین اوقات با جدیتی تازه به تشکیل مدارس جدید در شهرها شروع کرده بود پس موقع مساعدی برای مرحوم ناصر روائی پیش آمد که از اداره



معارف ایالتی آذربایجان تقاضای مساعدت کند و بودجه مدرسه را پرقرار سازد. اداره معارف ایالتی جواب می‌دهد که مساعدت مالی به مدرسه ملی فیض معکن است. فقط امکان دارد که اگر مدرسه ناصری جزء مدارس جدید التاسیس دولتی بشود در آینده از عواید تومانی دویست دینار مالیاتی که به اسم معارف از ولایات وصول می‌شود بهمنه مند شود. پس ناصر دفتر پذیرفت که مدرسه ناصری از آن تاریخ جزو مدارس دولتی ثبت باشد.

در سال ۱۳۴۰ قمری (۱۲۰۱ شمسی) که مترجم السلطنه شیخ بهائی مفتخر سیار وزارت مالیه به خلخال می‌آید اهالی را ترغیب به دادن اعانه به مدرسه می‌کند و با مدیریت میرزا حمیدخان آموزگار اردبیلی که به خلخال آمده بود مدرسه رونق تازه‌ای می‌گیرد.

درین دوره، برای آنکه فرزندان پیشهوران از قبیل خیاط و آهنگر و نجار بعد از ورود به مدرسه نسبت به حرفة پدران خود به چشم حقارت ننگند و پس از تحصیل دست از حرفة پدری پکشند، به همت و کوشش مرحوم ناصر دفتر «کلاس صنعتی» در مدرسه ناصری تأسیس شد. و هفته‌ای سه روز حرفة خیاطی، کلامدوزی، چلنگری (اهنگری) به شاگردان کلاس سوم که آخرین کلاس مدرسه در آن روزها بود تعلیم داده شد تا بعدها همین شاگردان حرفة پدری را اختیار کنند و در خلخال بمانند.

در اواخر سال ۱۳۰۱ شمسی که خان باباخان سرهنگ رئیس ارکان حرب آذربایجان شرقی به سمت حکومت وارد خلخال شد به پیشنهاد مرحوم ناصر روائی، جمیت تامین بودجه مدرسه، بر محمولات تجارتی کیلان و کشتار قصابی عوارضی پرقرار شد و عواید آن که بالغ بر یکهزار و دویست تومان می‌بود وسیله تامین بودجه و پیشرفت امور مدرسه گردید.

در سال ۱۳۰۲ شمسی کلاس پنجم داین شد و در همین سال از طرف دولت برای مدرسه ناصری نهصد و شصت تومان بودجه معین شد و با موافقت مید فتح الله خان نایب اول حکومت مدرسه دخترانه هم در آن و آپاد تأسیس گردید، ولی پس از چند ماه که عوارض محلی در کشور لغو گردید و بودجه مستقلی هم از طرف دولت برای مدرسه دخترانه داده نشد ناچار منحل گشت.

در ۲ ۱۳۰۲ شمسی خوانین و سرکردگان ایلات و عشایر توسط دولت سرکوب شدند و بعضی از آنها که از کرده‌های گذشته نادم شده و تامین یافته بودند به پیشنهاد مرحوم ناصر دفتر اعانه‌ای برای ساختن ساختمان جدید در اختیار ناصر دفتر گذاردهند و پس از ساختمان قبله مدرسه به اداره معارف داده شد.

در سال ۱۳۰۶ اداره معارف ایالتی تحت تأثیر جریانهای زمانه نام مدرسه ناصری را خواست تغییر بدهد اما طبقات مردم خلخال به اعتراض پرخاستند. یکی از اعتراضات آنها تلگرافی است که در روزنامه سپهند به مدیریت مرحوم محمود غنیزاده چاپ شده است (شماره چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۰۶ صفحه ۳)

(توسط ریاست محترم معارف ایالتی، کپیه به نشیفات سپهند، عنکبوت، کپیه به

تبیینیز مقام منیع وزارت جلیله معارف.

مدرسه ناصری خلخال را بیست سال است آقای ناصر روائی شخصاً تأسیس و با فدایکاری های فوق العاده نگاهداری کرده. حکمی که برای تغییر اسم آن از وزارت جلیله صادر کرده اند منتهای غرض و از روی اشتباه است. اهالی خلخال هیچ وقت راضی به معارف کشی نیستند، این ظلم لکه ای در ناصیریه حال معارف مملکت است.

علماء و معارف خلخال: سید سعید مجتبی شریعتمدار، صدرالعلماء، رئیس السادات، معینالملائک، نایب صدر، حسنعلی سراج الایاله، رشیدالملائک، سراج لشکر، «اعبد» السلطان، میر محمد آقا جواد

(بخشی دیگر در شماره های آینده چاپ خواهد شد)



۱- ناصر دشت ۲- حبیب‌الله (فرماندار) ۳- حق (رئیس شهربانی) ۴- خداقلی وزیرزاده  
۵- موسی خان روائی ۶- خیرالله‌خان روائی ۷- ایوب الطائی